Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies
Vol.9, No.2 (Serial 18), Autumn & Winter 2026-27
DOI: 10.22070/nic.2026.20902.1435
(Research Article)

Methodologies for Addressing the Misconception of Coercion in Islam: A Civilizational Perspective Based on the Book "The Review of the Sophesteies about the Holy Qur'an"

Azam Shahbazi *
Soraya Ghotbi **

Received on: 21/02/2026
Accepted on: 26/08/2026

Abstract

Purpose: This study, with a civilizational approach, analyzes the methodologies of addressing the "Misconception of Coercion in Islam" based on the first volume of the book *The Review of the Sophesteies about the Holy Qur'an*.

Methodology: The research is conducted through a descriptive–analytical method within the framework of qualitative content analysis. The text of the book is examined sentence by sentence from the perspective of the methods of responding to the Misconception of Coercion in Islam. The data are inductively classified, interpreted, and analyzed to extract the mechanisms of response within the framework of civilizational thought.

Findings: The results show that *The Review of the Sophesteies about the Holy Qur'an* systematically critiques this misconception through a collection of diverse response methods.

* Master's graduate in Qur'anic and Hadith Sciences, Shahed University, Tehran, Iran.
a.shahbazi2047@gmail.com 0009-0001-6882-2954
** Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
sghotbi@shahed.ac.ir 0000-0002-6757-1743

Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies
Vol.9, No.2 (Serial 18), Autumn & Winter 2026-27
DOI: 10.22070/nic.2026.20902.1435
(Research Article)

In the Textual-Historical Method, by analyzing Qur'anic verses (including al-Baqara 2:256; Hūd 11:28; al-Naml 27:44; al-Naṣr 110:1–2; al-Mumtaḥana 60:8–9; al-Nisāʾ 4:90; al-Tawbah 9:29; al-Ghāshiya 88:21–22 and 45) and referring to the Prophet's Sunnah and the narrations of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), it becomes clear that the Islamic message is based on freedom, dialogue, and the rejection of coercion in faith.

In the fundamental critique method, the presuppositions that construct the Misconception of Coercion in Islam—such as the confusion between jihad and coercion in belief, the influence of politicized interpretations, and the behavior of takfiri movements—are deconstructed and refuted.

In the **Contextual-Historical Exegesis**, historical and Qur'anic evidence opposing the claim of coercion are presented to clarify the invalidity of such argument.

In the **exemplification method**, through tangible examples, it is shown that even the closest individuals, such as a father, do not have the right to impose belief upon their children.

In the **Analytical Breakdown and Categorization Method**, the possible interpretations concerning coercion in belief are analytically studied, and only the assumption of non-coercion in faith is validated.

In the **Socratic Method**, rather than providing a direct answer, the internal contradictions of the Misconception of Coercion in Islam are revealed so as to create the ground for revising previous mental judgments.

In the **Literal meaning analysis**, words such as *qitāl*, *fitna*, and *ghilẓa*, which have been misinterpreted, are examined, showing that these words not only do not imply coercion in belief but rather refer to confronting

Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies
Vol.9, No.2 (Serial 18), Autumn & Winter 2026-27
DOI: 10.22070/nic.2026.20902.1435
(Research Article)

those who, by force, threat, or deprivation of freedom, eliminate the conditions necessary for liberty.

In the **Isnād and Matn Criticism of Hadith**, the weakness of narrations related to the killing of apostates—without their committing social corruption—is established.

At the civilizational level, the findings indicate that the spread of the Misconception of Coercion in Islam weakens the theoretical and functional foundations of the New Islamic Civilization. Internally, it reduces faith from the level of inner conviction to mere outward submission, diminishing rationality and dialogue; externally, it portrays Islamic civilization as a closed and passive system, thereby reducing Islam's ability to interact and influence globally.

Conclusion: The core of the civilizational confrontation with the Misconception of Coercion in Islam lies in distinguishing between the two domains of *takwīn* (creation) and *tashrīʿ* (legislation). In the sphere of creation, coercion in belief is impossible, and in the sphere of legislation, considering the clarity of the divinely guided path, acceptance of belief is confined to the faith rooted in divine guidance. This distinction forms the theoretical foundation of the freedom of belief and the exclusivity of faith acceptance within the epistemological framework of the New Islamic Civilization.

At the strategic level, the advancement of *shubha-studies* (doubt studies) from a defensive reaction to an active mechanism for civilizational theory-building—through the creation of specialized centers, joint seminary–academic courses, and interfaith dialogues—accelerates the realization of the New Islamic Civilization. It is recommended that the design of a course entitled "Civilizational Methodology of Shubha-

Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies
Vol.9, No.2 (Serial 18), Autumn & Winter 2026-27
DOI: 10.22070/nic.2026.20902.1435
(Research Article)

Studies" and the establishment of a "Center for Civilizational Studies of Shubha-Research" be prioritized as theoretical infrastructures for reviving religious rationality and strengthening the culture of inquiry.

Keywords: Compulsion in Belief; New Islamic Civilization; Methods of Response; Doctrinal Doubts; Fundamental Critique

دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی
دوره ۹، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)،پاییز و زمستان ۱۴۰۵، صص ۲۹۵- ۳۲۲
DOI: 10.22070/nic.2026.20902.1435
مقاله پژوهشی

تحلیل روش‌های مواجهه با انگارۀ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی در کتاب «شبهه‌پژوهی قرآنی»

اعظم شهبازی *
ثریا قطبی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴

چکیده

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اعتقادی در مسیر تثبیت تمدن نوین اسلامی، انگارۀ اجبار عقیده در اسلام است که با هدف مخدوش ساختن چهرۀ این دین الهی و متهم کردن مسلمانان به خشونت طلبی مطرح شده است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل روش های مواجهه با انگارۀ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی در کتاب «شبهه پژوهی قرآنی» است. این پژوهش با روش توصیفی‌تحلیلی و مطالعۀ اسنادی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلف در مواجهه با انگارۀ اجبار عقیده، از مجموعه‌ای از روش‌های متنوع، ازجمله روش نقلی ـ تاریخی، نقد و ابطال مبنای شبهه، ارائۀ نمونه‌های عینی، سبر و تقسیم، پاسخ نقضی و طرح پرسش، بهره برده است. در پرتو این روش های چندلایۀ پاسخ گویی، تمایز دقیق میان «آزادی عقیده در قلمرو تکوین» و «انحصار پذیرش عقیده در قلمرو تشریع» آشکار می‌شود و نفی اکراه در دین در چهارچوب منظومۀ تمدن نوین اسلامی معنا می‌یابد. تحلیل تمدنی این روش‌های پاسخ‌گویی در استحکام بنیان‌های معرفتی تمدن نوین اسلامی نقشی راهبردی ایفا می‌کند.

کلمات کلیدی: اجبار عقیده، تمدن نوین اسلامی، روش‌های پاسخ‌گویی، شبهات اعتقادی، نقد مبنایی

* دانش‌آموختۀ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
a.shahbazi2047@gmail.com 0009-0001-6882-2954
** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدۀ علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسندۀ مسئول).
sghotbi@shahed.ac.ir 0000-0002-6757-1743

CC BY

بیان مسئله

در فرایند تحکیم و تثبیت تمدن نوین اسلامی، برخی برداشت‌های ناصواب همچون انگارهٔ اجبار عقیده، بستر مناسبی را برای وارد ساختن اتهامات ناروا علیه اسلام و تضعیف چهرهٔ واقعی این دین الهی فراهم کرده است (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۷). به‌دلیل تأثیرگذاری عمیق حوزهٔ باورها بر رفتارهای انسان، مسئلهٔ اجبار عقیده یکی از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز در فضای فکری حاکم بر جهان امروز تلقی می‌شود (قطبی و دیگران، ۱۳۹۳، ص۴۳). پیدایش اندیشه‌های کلامی، فقهی و سیاسی، علاوه‌بر غرض‌ورزی معاندان در تضعیف باورهای زیربنایی مسلمانان، ضرورت پاسخ‌گویی دقیق به این شبهه را بیش از پیش آشکار می‌سازد. مواجههٔ نظام‌مند با شبههٔ اجبار عقیده، استحکام پایه‌های معرفتی و بنیان‌های شناختی تمدن نوین اسلامی را موجب می‌شود و عقلانیت دینی مسلمانان را در برابر چالش‌های اعتقادی دنیای معاصر افزایش می‌دهد.

ازآنجاکه در تمدن نوین اسلامی، سخن از احیای مجدد این تمدن با الزامات حیات بشر امروزی است (داداشی آذر و شفیعی، ۱۳۹۴، ص۵۶) و پاسخ‌گویی به چالش‌هایی اعتقادی یکی از بااهمیت‌ترین راهبردهای تمدن‌ساز به حساب می‌آید، پژوهش حاضر بر آن است تا با مبنا قرار دادن کتاب «شبهه‌پژوهی اعتقادی»، از جواد ایروانی، روش‌های پاسخ‌گویی به شبههٔ اجبار عقیده را از منظر این قرآن‌پژوه معاصر تحلیل کند و به این سؤال پاسخ دهد که روش‌های مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده با رویکرد تمدنی در کتاب «شبهه‌پژوهی قرآنی» به چه صورتی است. دفتر اول این کتاب با عنوان «شبهه پژوهی قرآنی: شبهات اعتقادی» در سال ۱۳۹۹ از سوی دانشگاه علوم اسلامی رضوی در ۵۳۶ صفحه به چاپ رسیده است. دلیل انتخاب این کتاب، تمرکز نویسندهٔ آن بر پاسخ‌گویی به مهم‌ترین شبهات اعتقادی، به‌ویژه انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام، است که منبعی غنی برای تحلیل روش‌های پاسخ‌گویی چندلایه با رویکرد تمدنی به شمار می‌آید.

۱. پیشینهٔ پژوهش

مرور اجمالی پیشینهٔ پژوهش نشان داد تاکنون پژوهش مستقلی به تحلیل روش‌های پاسخ‌گویی به مسئلهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی در کتاب «شبهه‌پژوهی قرآنی» نپرداخته است؛ هرچند در پژوهش‌هایی به روش‌شناسی پاسخ به شبهات پرداخته شده است که در ادامه خواهد آمد.

در مقالهٔ «روش‌شناسی علمی پاسخ‌گویی به شبهات در سیرهٔ رضوی»، از خرقانی و محقق گرفمی، در سال ۱۴۰۱، به روش‌هایی که امام رضا(ع) در پاسخ‌گویی به شبهات از آن‌ها بهره گرفته، توجه شده است.

استناد به قرآن مجید و سنت نبوی، توجه به خاستگاه‌ها و علت‌های ایجاد شبهه، بهره‌مندی از برهان‌های معقولیت، سَبر و تقسیم، ابطال لازمه‌های نادرست شبهه، استناد به انگاره‌های موردقبول مخاطب، محسوس‌سازی معقولات، تبیین صحیح مفاهیم شبهه و بهره‌گیری از تاریخ صحیح، برخی از روش‌های پاسخ‌گویی به شبهات در سیرهٔ رضوی هستند. مقالهٔ «روش‌شناسی و پاسخ‌گویی به عمده‌ترین شبهات اعتقادی نوجوانان شیعی و پاسخ به آن‌ها»، از عرب، در سال ۱۳۹۹، پاسخ‌گویی به پرسش‌های اعتقادی را نیازمند دو رکن اساسی می‌داند: رکن اول محتوای پاسخ است که باید دقیق، مستند به منابع قرآنی و روایی و منطبق باعقل سلیم باشد؛ رکن دوم شیوهٔ انتقال این پاسخ به مخاطب، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، است که حساسیت خاصی دارد. رسالهٔ دکتری «بررسی مبانی و روش‌های پاسخ به شبهات قرآنی در تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه»، از وطن‌خواه، در سال ۱۳۹۹، روش غالب مفسر را در مواجهه با شبهات قرآنی، استناد مستقیم به قرآن بدون وابستگی به منابع بیرونی می‌داند. مقالهٔ «گونه‌شناسی روش پرسش‌وپاسخ و کاربست آن در پاسخ به مسائل اعتقادی از دیدگاه قرآن»، از فلاح، در سال ۱۳۹۸، به بررسی روش پرسش‌وپاسخ در پاسخ به مسائل اعتقادی پرداخته و تأثیر زمینه‌های شناختی و عوامل عاطفی را در اثربخشی این شیوه بررسی کرده است. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد «روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی و قرآنی دانش‌آموزان تیزهوش»، از فخر، در سال ۱۳۹۶، و مقالهٔ «بررسی اقناع مخاطب در پاسخ‌گویی قرآن به شبهات اعتقادی»، از افقی، در سال ۱۳۹۳، روش‌های پاسخ به شبهات را بررسی کرده‌اند.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی (core) بوده و با مطالعهٔ اسنادی (documentary study) و روش توصیفی ـ تحلیلی (descriptive-analytical) از نوع تحلیل محتوای کیفی (qualitative content analysis) انجام شده است. این مقاله توصیفی است؛ زیرا به بررسی روش‌های مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در کتاب «شبهه‌پژوهی قرآنی» با رویکرد تمدنی تمرکز می‌کند و هدف آن دستیابی به حقایق جدید در موضوع یادشده است. همچنین این مقاله تحلیلی است؛ چون سازوکار پاسخ‌گویی به شبههٔ تحمیل عقیده را در کتاب «شبهه‌پژوهی قرآنی» تحلیل می‌کند. براساس هدف اصلی تحقیق، شبههٔ اجبار عقیده در اسلام و پاسخ‌های داده‌شده به این انگاره در دفتر اول کتاب «شبهه‌پژوهی قرآنی» با روش تحلیل محتوای استقرایی جمله‌به‌جمله مطالعه شد و داده‌ها براساس روش‌های گوناگون پاسخ‌گویی طبقه‌بندی گردید و در مرحلهٔ پردازش، به بحث و تفسیر نتایج پرداخته شد.

۳. مفاهیم و چهارچوب نظری

«شُبهه» از ریشهٔ «ش ب ه» به معنای «تردید» (آذرنوش، ۱۳۹۸، ص۵۰۱)، «التباس»، «ابهام» و «آمیخته شدن حق با باطل» است. «شبه» نام نوعی از مس است که در اثر مواد دیگری به رنگ زرد طلایی درمی‌آید و شبیه طلاست (فراهیدی، ۱۴۲۱ق، ج۳، ص۴۶۲). ابن‌فارس اصل این واژه را به معنای «همانندی یک شیء با شیء دیگر» می‌داند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۲۴۳). شبهه در اصطلاح علم کلام، استدلالی است که با اختلاط یا ایجاد مشابهت میان حق و باطل و صحیح و غلط، تشخیص حق را دشوار می‌کند و خواسته یا ناخواسته، باورها و اعتقادات مذهبی را به چالش می‌کشد (علیزاده موسوی، ۱۳۹۵، ص۶۹).

از منظر لغوی، واژهٔ «اجبار» مصدر باب افعال از مادهٔ «ج ب ر» است. راغب این واژه را به معنای واداشتن فردی به انجام کاری می‌داند که از انجام آن کار اکراه دارد و نسبت به آن بی‌میل است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۳۷۵). تهانوی در تأیید این معنا می‌گوید: «الإجبار: إکراه شخص ما علی عمل ما» (تهانوی، ۱۹۹۶ق، ج۱، ص۵۴۸). مترادف واژهٔ «اجبار»، «جَبْر»، «قَهْر»، «إلْزام»، «قَسْر»، «إکْراه»، «اِضْطِرار»، «إرْغام» (طراد، ۲۰۱۰م، ج۱، ص۱۵۲) و متضاد آن «انتخاب»، «تَخَیّر» و «تخییر» است (همان، ص۲۱۴). «اجبار» در اصطلاح کلام به معنای «الزام» و در اصطلاح فلسفه به معنای «مجبور بودن انسان در افعال خویش» است (سجادی، ۱۳۷۳، ص۶۲۸). «اجبار عقیده» به این معناست که فردی از روی نارضایتی، وادار به پذیرفتن باوری خاص شود و قدرتی نیز برای امتناع از پذیرش آن نداشته باشد.

«روش» به معنای «در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف با نظم ویژه» است. اصطلاح روش، هم به خود راه و هم به قواعد و ابزارهای رسیدن به آن راه اشاره دارد. روش‌شناسی شناخت شیوه‌های اندیشه و راه‌های تولید علم و دانش در عرصهٔ معرفت بشری است (پارسانیا، ۱۳۸۳، ص۷). روش‌شناسی مطالعهٔ منظم برای راهبری پژوهش‌های علمی است (ساروخانی، ۱۳۸۶، ص۲۳).

«تمدن نوین اسلامی» ساختاری ذووجوه با دو مؤلفهٔ اساسی کالبد و روح است. کالبد این تمدن، دستاوردهای مادی و رفاهی مسلمانان و روح آن مجموعه‌ای از باورها، مفاهیم و آموزه‌هایی است که به رفتار فردی و جمعی، شیوهٔ زندگی و جهان‌بینی امت اسلامی جهت می‌دهد (سیاوشی و فقیه حقانی، ۱۳۹۴، ص۹۳) و هویت تمدنی آنان را می‌سازد. در این نوع از تمدن، آزادی رکنی بنیادین و موهبتی الهی است (همان، ص۱۰۳) که انسان پاسدار آن است، اما صاحب مطلق آن نیست. حق آزادی مانند حق مالکیت انسان بر اموالی است که سرپرستی آن را بر عهده دارد. انسان در نظام تکوین، آزاد آفریده شده و

در اثبات یا نفی، قبول یا رد و ایمان یا کفر، آزاد است و می‌تواند به انتخاب خود، مطیع یا عاصی باشد. اما در نظام تشریع، بنا بر اینکه او دارای جایگاه خلیفةاللهی است و راه هدایت وضوح کامل دارد، موظف به ایمان و مکلف به اجتناب از کفر است. ایمان به خداوند و تبعیت از فرستادگان او مؤمنان را در چهارچوب قوانین الهی قرار می‌دهد، اما براساس آیهٔ ۱۵۷ سورهٔ اعراف، همهٔ قیدوبندها را از آدمی می‌گسلد. به همین سبب، مهم‌ترین مؤلفهٔ تمدن نوین اسلامی، آزادی‌بنیان بودن و آزادی‌زا بودن آن است. تمدن نوین اسلامی در بستر آزادی شکوفا می‌شود و به تعمیق آزادی حقیقی انسان نیز کمک می‌کند (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷، ص۱۳۴).

براساس آیهٔ ۲۵۶ سورهٔ بقره «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، در دین اکراهی وجود ندارد. برخی اندیشمندان بر این باورند که علت عدم اکراه در دین آن است که دین از جنس باورهای قلبی راه‌یافته در دل آدمی است (فهیمی، ۱۳۹۷، ص۱) و اجبار بر آن، نه مجاز و نه امکان‌پذیر است. (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۱۸). ازآنجاکه آزادی در اعتقاد حقیقتی زوال‌ناپذیر است و اعتقاد نیز امری درونی است، انتخاب مسیر هدایت و ضلالت به دلخواه انسان و بدون اکراه و اجبار است، اما نتیجهٔ مسیری که انسان آن را انتخاب کرده است، دیگر به خواست آدمی نیست؛ زیرا نتیجهٔ عمل امری حقیقی و تکوینی است و هر عملی نتیجهٔ خاص خود را دارد. همان‌طور که نتیجهٔ انتخابِ خوردن سم یا عسل با یکدیگر متفاوت است، نتیجهٔ انتخاب پیمودن مسیر هدایت و ضلالت نیز با هم تفاوت دارد. سرانجام ایمان به بهشت ختم می‌شود و عاقبت کفر به جهنم می‌رسد. به همین دلیل، انسان در مقام تکوین آزادی عقیده دارد، اما در مقام تشریع و پس از روشن شدن مسیر هدایت، هر عقیده‌ای از وی پذیرفتنی نیست (آدمی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۳، صص۱۰ـ۲۶).

روش‌های پاسخ‌گویی به شبهات گوناگون است. یکی از مهم‌ترین روش‌ها، پاسخ نقلی است. در این شیوه، پاسخ‌دهنده با رویکردی درون‌دینی، براساس آیات قرآن کریم، روایات معصومان(ع) و گزارش‌های تاریخی، به رفع شبهات می‌پردازد. تحلیل معنای لغوی، بررسی شأن نزول و سیاق آیات و نقد سندی و محتوایی روایات، روش‌های دیگر پاسخ‌گویی به شبهات هستند. برخی دیگر از روش‌های پاسخ‌گویی به شبهات عبارت‌اند از:

۱. نقد و رد مبنای شبهه: در این شیوه، مبانی و پیش‌فرض‌های شبهه شناسایی می‌شود و اگر شبهه براساس ریشهٔ سستی بنا شده باشد، بنیان‌های فکری آن نقد می‌شود که نتیجهٔ آن فروپاشی کامل شبهه خواهد بود (افقی، ۱۳۹۳، ص۹۷).
۲. ارائهٔ مثال: در این روش، مفاهیم انتزاعی با ذکر نمونه‌های ملموس بیان می‌شود تا فهم آن آسان‌تر شود. کاربست این شیوه برای پاسخ به شبهات و اقناع ذهنی افرادی که ظرفیت دریافت مباحث عمیق را ندارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است (همان، ص۱۳۲).
۳. سبر و تقسیم: «سبر» در لغت به معنای «بررسی و آزمایش» و «تقسیم» به معنای «بخش‌بخش

کردن» است. در اصطلاح، «سبر» حصر حالات ممکن بوده و تقسیم تفکیک اقسام حصری است که بدون نیاز به سایر روش‌ها، می‌توان با آن به نقد مستقیم شبهه پرداخت. در این روش که بر پایهٔ منطق صوری و حصر حالات استوار است، پاسخ‌گو با تجزیهٔ ساختاری شبهه و رد مستقل هر جزء، استدلال طرف مقابل را به چالش می‌کشد (محمدی احمدآبادی، ۱۳۹۹، ص۳۴).

۴. پاسخ نقضی: برای مقابله با شبهات لازم نیست به هر شبهه‌ای کلمه‌به‌کلمه و خط‌به‌خط پاسخ داده شود، بلکه می‌توان با آوردن مثال نقضی برای ادعای شبهه‌گر، آن شبهه را فروریخت (اقبال، ۱۴۰۳، ص۱۷۵). در این شیوه، برای نشان دادن سستی اعتبار شبهه‌کننده، مصداق یا مستندی ارائه می‌شود که با ادعا یا استدلال شبهه‌کننده مغایرت دارد.

۵. طرح سؤال: در این روش، پاسخ‌گو با طرح یك یا چند سؤال، خود را در جایگاه پرسش‌گر قرار می‌دهد و از موضع دفاعی به موضع تهاجمی و فعال تغییر جهت می‌دهد و با این شیوه، شبهه را برطرف می‌کند. گفتنی است هنگامی که پاسخ در قالب سؤال مطرح شود، مخاطب آن را به‌مثابهٔ اندیشهٔ خود تلقی می‌کند و منعطف‌تر با آن مواجه می‌شود (افقی، ۱۳۹۳، ص۸۸).

نمودار مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی در شکل ۱ منعکس شده است:



شکل ۱: نمودار مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی

در نمودار شکل ۱، مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی در سه لایه تحلیل می‌شود، به‌طوری که هر لایه بر لایهٔ بعدی تأثیر می‌گذارد. لایهٔ اول ناظر به مبانی معرفتی تمدن نوین اسلامی است که به‌مثابهٔ ستون فقرات تمدن اسلامی به حساب می‌آید. این سطح برآمده از آیهٔ ۲۵۶ سورهٔ بقره (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ) است که در آن بر نبود اکراه در دین و روشن بودن راه هدایت از گمراهی تصریح می‌شود و اصل نبود اجبار عقیده را در مقام تکوین اثبات می‌کند. سطح دوم به‌مثابهٔ ابزارهای اجرایی برای لایهٔ اول عمل می‌کند و ناظر به روش‌های پاسخ‌گویی است که در آن با شیوه‌های گوناگون، مانند تخریب پیش‌فرض‌های نادرست، استفاده از کارکرد محسوس‌سازی، پاسخ‌های نقضی، حلی و نقلی، شرح مفردات، سبر و تقسیم و طرح سؤال، برای اثبات نادرستی انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام در مقام تکوین تلاش می‌شود. به‌کارگیری این روش‌ها به رفع موانع معرفتی منجر می‌شود. در لایهٔ سوم، زمینه برای تحقق شاخص‌های تمدن نوین اسلامی، ازجمله تقویت ایمان مبتنی‌بر بصیرت، عقلانیت دینی، تمدن‌سازی بر پایهٔ اقناع و توسعهٔ مبتنی‌بر ارزش‌های متعالی، فراهم می‌آید.

٤. روش‌شناسی پاسخ به انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام

انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام از منظر تمدنی از دو جنبه چالش‌برانگیز است: نخست، زیر سؤال بردن اختیار انسان در پذیرش باورها و دیگری مجاز شمردن تحمیل عقیده با زور و شمشیر. در کتاب «شبهه‌پژوهی قرآنی»، با استفاده از روش‌های گوناگون، به این تصور نادرست پاسخ داده شده است که در ادامه، مهم‌ترین آن‌ها خواهد آمد.

٤-١. روش نقلی ـ تاریخی (Textual-Historical Method)

یکی از روش‌های مهم پاسخ به شبههٔ اجبار عقیده در اسلام، استفاده از روش نقلی ـ تاریخی است. در این روش، از آیات قرآن کریم، روایات معصومان(عع) و مستندات تاریخی برای پاسخ‌گویی به این شبهه استفاده می‌شود.

پاسخ نقلی با استفاده از آیات قرآن کریم

از منظر برخی جریان‌های فکری، آیات قتال در قرآن کریم مجوزی برای اجبار مشرکان به تغییر عقیده قلمداد شده (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۱۵)، درصورتی‌که در آیهٔ ۲۵۶ سورهٔ بقره (لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَي)، اکراه در دین به‌طور صریح نفی شده است. راغب اصفهانی واژهٔ «اکراه» را به معنای «وادار کردن» فرد به عملی می‌داند که آن را خوش نمی‌دارد؛ ازاین‌رو این آیه هرگونه اکراه در دین از روی بی‌رغبتی را مردود می‌شمرد (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۱۶-۱۱۷). تعبیر «أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (هود:

۲۸) در سخن حضرت نوح(ع) خطاب به قوم خود، دلیلی روشن بر رد انگارهٔ اجبار عقیده است: «آیا اگر ببینید که من بر دلیل روشنی از طرف پروردگارم باشم و او از نزد خودش رحمت به من داده باشد که بر شما مخفی مانده، آیا شما را به پذیرش آن وادار کنیم، درحالی‌که نسبت به آن کراهت دارید؟» تعبیر «مع سلیمان» در آیهٔ ۴۴ سورهٔ نمل نیز نشان می‌دهد که ملکهٔ سبا از روی اختیار، همراه حضرت سلیمان(ع) تسلیم فرمان الهی شد. وی با مشاهدهٔ نشانه‌های حقانیت آن حضرت، ازجمله آمدن هدهد و انتقال تختش در مدتی کوتاه، به حقانیت دعوت این پیامبر الهی پی برد و از مقابلهٔ نظامی با سلیمان(ع) منصرف شد (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۲۶۱). آیات اول و دوم سورهٔ نصر (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ. وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا) به پذیرش دسته‌جمعی اسلام از سوی مردم پس از فتح مکه تصریح می‌کند، بدون آنکه بتوان از آن تحمیل یا اجبار به تغییر عقیده را برداشت کرد (همان، ص۱۲۹). در آیات ۸ و ۹ سورهٔ ممتحنه، به رابطهٔ مسالمت‌آمیز با کسانی اشاره شده است که علیه مسلمانان در جنگ نیستند و آنان را از سرزمینشان بیرون نکرده‌اند (همان، ص۱۲۶).

آیهٔ ۳۶ سورهٔ توبه دفاع مشروع مسلمانان در مقابله با تجاوز مشرکان را به تصویر می‌کشد و نمی‌توان آن را مستمسکی برای تن دادن اجباری به تغییر عقیده تلقی کرد (همان، ص۱۲۷). در آیهٔ ۹۰ سورهٔ نساء (فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا) خداوند به درگیر نشدن با کسانی فرمان داده است که از جنگ کناره گرفتند و به صلح روی آوردند (همان، ص۱۲۹). آیهٔ ۱۲ سورهٔ انفال (سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ) ناظر به دستورات قاطع اسلام برای مقابله با تجاوز دشمن است. از آیهٔ ۱۳۲ سورهٔ بقره (فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ) نیز تحمیل عقیده برداشت نمی‌شود؛ زیرا ممکن است فرد از روی اختیار، مرگ همراه با ایمان را انتخاب کرده باشد.

در آیهٔ ۴۵ سورهٔ غاشیه، به جبار نبودن پیامبر(ص) تصریح شده و در آیات ۲۱ و ۲۲ همین سوره، جایگاه تذکردهی حضرت رسول(ص) برجسته شده است. آیات ۲۱۷ سورهٔ بقره، ۹۰ سورهٔ آل‌عمران و ۱۳۷ سورهٔ نساء به کسانی اشاره دارد که پس از ایمان، به کفر بازگشتند (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۲۲۱). در این آیات تأکید شده است که عواقب سوء این انتخاب به خود آن‌ها بازمی‌گردد. مهم آنکه اگر اجباری در تغییر عقیده وجود داشت و اختیاری در انتخاب نبود، دیگر چنین عاقبتی برای آنان مطرح نمی‌شد. از آیات ۱۹۳ سورهٔ بقره و ۳۹ سورهٔ انفال نیز نمی‌توان اجبار به تغییر عقیده را دریافت؛ زیرا مقاتله با مشرکان برای نابود کردن مظاهر شرک و مقابله با فتنه‌انگیزی و با هدف زدودن موانع گسترش دین الهی و نه برای اجبار به تغییر عقیده صورت گرفته است (همان، ص۱۳۹). براساس آیهٔ ۲۹ سورهٔ توبه، اهل کتاب می‌توانند بدون تغییر دادن دین خود و با پذیرش شرایط ذمه، در جامعهٔ اسلامی زندگی کنند (همان، ص۱۳۲). در متون اسلامی تصریح

شده است که اهل کتاب همچون مسلمانان از حقوق طبیعی و شهروندی برخوردارند و تأمین امنیت و اجرای عدالت قضایی آنان بر عهدهٔ حکومت اسلامی است (همان، صص۱۴۷-۱۴۸). در این کتاب، با روش نقلی و استناد به آیات متعددی از قرآن کریم، اصل اکراه‌ناپذیری دین و نبودن اجبار عقیده در مقام تکوین در اسلام، ثابت می‌شود و انگارهٔ اجبار عقیده نفی می‌گردد.

پاسخ نقلی با استفاده از روایات

یکی دیگر از روش‌های پاسخ نقلی به انگارهٔ اجبار عقیده، بهره‌گیری از روایات معصومان(عع) است. شیخ صدوق روایتی را از امام رضا(ع) نقل می‌کند (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴الف، ج۲، صص۱۲۳-۱۲۴) که روزی مأمون از آن حضرت دربارهٔ معنای آیهٔ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعاً...» (یونس: ۹۹) سؤال کرد و امام رضا(ع) در پاسخ به او، سخنی را از پدران خود و از امام علی(ع) نقل کرد که مسلمانان به پیامبر(ص) گفتند: «ای رسول خدا، اگر بتوانی افراد تحت سیطره‌ات را به اسلام وادار کنی، تعداد ما زیاد خواهد شد و در برابر دشمن قوی‌تر می‌شویم». پیامبر(ص) فرمود: «نمی‌خواهم خداوند را با بدعتی ملاقات کنم که دستوری الهی به آن نداشته‌ام. من از کسانی نیستم که چیزی از خود می‌سازند و ادعای باطل می‌کنند». در این هنگام، خداوند این آیه را نازل فرمود: «اگر پروردگارت می‌خواست، یقیناً همهٔ افراد روی زمین به‌اجبار ایمان می‌آوردند...» (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۱۵). این روایت به‌طور آشکار نشان می‌دهد که مجبور ساختن دیگران به تغییر عقیده و پذیرش اسلام، نه از سوی پیامبر(ص) انجام گرفته و نه خداوند به آن فرمان داده است.

روایت دیگری را کلینی از امام صادق(ع) نقل کرده (کلینی، ۱۳۶۷، ج۵، صص۲۷-۲۸) که آن حضرت فرمود: «هنگامی که پیامبر(ص) می‌خواستند افرادی را به سریه بفرستند، به آنان می‌فرمودند: هر مسلمانی ـ فرودست یا بلندمرتبه ـ که به مشرکی پناه دهد، آن مشرک در امان است تا سخن خدا را بشنود. آنگاه اگر از آیین شما پیروی کرد، برادر دینی‌تان است و اگر امتناع کرد، او را به جایگاه امنش برسانید و در برابرش از خداوند یاری جویید» (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۴۲).

تأکید امام علی(ع) بر مهرورزی به انسان‌ها، ازجمله اقلیت‌های دینی (همان، ص۱۷۰)، عیادت پیامبر(ص) از بیمار یهودی، دستور امام صادق(ع) به حسن معاشرت با فردی یهودی (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴ب، ج۴، ص۴۰۴) و فرمودهٔ امام علی(ع) که در آن هتک حرمت زن غیرمسلمان هم‌ردیف هتک حرمت زن مسلمان برشمرده شده (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۷)، حاکی از لزوم تعامل نیکو با اهل کتاب است.

از روایات ناظر به مجازات سنگین مرتدان نیز نمی‌توان اجبار به تغییر عقیده را دریافت. در این روایات، قیدهای انکار، تکذیب عمدی حق با دلایل آشکار و علنی‌سازی ارتداد ذکر شده است و تا زمانی

که این قیود در حضور حاکم با ادلهٔ محکم شرعی اثبات نشود، حکم مرتد اجرا نمی‌گردد. مهم آنکه در این راستا تفتیش عقاید نیز مجاز نیست (همان، ص۲۲۸). حکم مرتد به‌منظور حفظ مرزهای اعتقادی اسلام و حقوق معنوی مسلمانان و نه برای اجبار او به تغییر عقیده انجام می‌شود، همان‌طور که مجازات مرتکبان برخی از جرم‌های علنی مانند سرقت و قتل نفس به‌دلیل تجاوز آشکار آنان به حقوق دیگران صادر می‌گردد (همان، ص۲۲۹).

پاسخ نقلی با استفاده از مستندات تاریخی

استفاده از مستندات تاریخی یکی دیگر از روش‌های پاسخ به شبههٔ اجبار عقیده در اسلام است. مراجعه به گزارش‌های تاریخی حوادث صدر اسلام و تحلیل سیرهٔ پیامبر اکرم(ص)، وضعیت مسلمانان در مکه، حوادث مدینه، صلح حدیبیه و نیز شأن نزول آیات جهاد نشان می‌دهد که هدف از وقوع جنگ، نه برای اجبار به تغییر عقیده، بلکه غالباً برای دفاع و پاسخ به تجاوز دشمن بوده است (همان، صص۱۲۳-۱۲۴).

براساس کتاب «الطبقات‌الکبری» از ابن‌سعد (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۲، ص۱۶۵)، غزوهٔ تبوک برای مقابله با تهدیدات دشمن به وقوع پیوست (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۳۰) و در گزارش ابن‌سعد از غزوهٔ حنین نیز نشانی از اجبار کفار به تغییر عقیده وجود ندارد (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۲، ص۱۵۰). اگر هم فرض شود الزامی وجود داشته، به نابود ساختن مظاهر شرک مربوط است (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۳۴). گزارش‌های ابن‌هشام (ابن‌هشام، ۱۳۸۳ق، ج۴، ص۸۶۲) از سیرهٔ پیامبر(ص) در مواجهه با نقض عهد قریش و حمله به خزاعه و ورود به مکه و عفو عمومی دشمنان با وجود برخورداری آن حضرت از قدرت زیاد، نشان‌دهندهٔ مدارای مسلمانان با مخالفان در این‌گونه مواجهات است (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۳۶). گزارش ابن‌هشام از شکستن بت‌ها به دست پیامبر(ص) و امام علی(ع) (ابن‌هشام، ۱۳۸۳ق، ج۴، ص۸۶۲) به‌خوبی هدف معصومان(عع) را در محو مظاهر شرک آشکار می‌سازد (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۳۷).

گزارش حلبی در «السیرةالحلبیة» (حلبی، ۱۴۰۰ق، ج۳، ص۲۱۰) مبنی‌بر کشته شدن اسیران بنی خذیمه به دست برخی مسلمانان صدر اسلام به عملکرد خودسرانهٔ آنان (از جمله خالدبن‌ولید) مربوط است و نباید این عمل را به نام اسلام گذاشت. رفتار خالد مخالف با دستور پیامبر(ص) بوده و از سوی آن حضرت نیز محکوم شده است. حلبی دراین‌باره می‌نویسد: «بااینکه پیامبر(ص) دستور داد خونی ریخته نشود و جنگی رخ ندهد، اما خالدبن‌ولید به‌دلیل کینه‌ای که از دوران جاهلیت نسبت به بنی‌خذیمه داشت و به‌رغم تسلیم و تحویل سلاح‌ها از سوی آنان، دستور داد تا دستان مردان آنان را از پشت ببندند و گروهی را نیز اعدام کنند. پیامبر(ص) از شنیدن این خبر به‌شدت ناراحت شد و به علی(ع) مأموریت داد تا به آنجا برود و خسارات و خون‌بهای آنان را بپردازد. پیامبر(ص) پس از تحسین کار امام

علی(ع)، فرمودند: خدایا، من از جنایت خالد بیزارم و هرگز به او دستور جنگ نداده بودم» (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۳۸). قتل مالک‌بن‌نویره به دست خالد نیز که در *تاریخ طبری* آمده (طبری، ۱۹۸۳، ج۳، صص۵۰۱-۵۰۴)، عملی خودسرانه و برخلاف دستور اسلام بوده است. برخی قبایل که خلافت خلیفهٔ اول را نپذیرفته بودند و از پرداخت زکات به حکومت سر بازمی‌زدند، به ارتداد متهم شدند و به این بهانه، خالدبن‌ولید مأمور سرکوب آنان شد. این در حالی بود که رئیس قبیلهٔ مالک‌بن‌نویره و افرادش اعتراف کرده بودند که مسلمان هستند (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۳۸).

شیخ مفید در کتاب *الإرشاد* (مفید، ۱۴۱۳ق، ج۱، صص۲۰۷-۲۱۰) دربارهٔ گسترش اسلام در ایران، به جلوگیری از کشتار وسیع اشاره کرده است. مستندات تاریخی نشان می‌دهد اسیران جنگ‌هایی مانند بدر اکثراً آزاد شدند یا با پرداخت فدیه رهایی یافتند (ایروانی، ۱۳۹۹، صص۱۹۴-۱۹۵). گزارش طبری مبنی‌بر قتل برخی اسیران جنگی (طبری، ۱۹۸۳، ج۲، صص۱۸۳-۱۸۴) نه برای اجبار آنان به تغییر عقیده، بلکه به‌دلیل خیانت آن‌ها بوده است (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۲۰۰-۲۰۳). علت کشته شدن نضربن‌حارث و عقبةبن ابی‌معیط، خیانت، عناد و تبلیغات این دو نفر علیه اسلام گزارش شده است. ابن‌کثیر در *البدایة و النهایة* (ابن‌کثیر، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۳۷۲) می‌گوید: «پیامبر(ص) فردی از اسیران را جز عقبةبن‌ابی‌معیط به قتل نرساند. وی کسی بود که در پشت مقام و در حال سجدهٔ پیامبر(ص)، پای خود را بر گردن آن حضرت نهاد و آن‌چنان پای خود را فشرد که نزدیک بود چشمان رسول خدا(ص) آسیب ببیند. همچنین او در حال سجدهٔ پیامبر(ص)، شکمبهٔ گوسفندی را بر سر آن حضرت انداخت و فاطمه(علیها السلام) آن را پاک کرد» (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۲۰۱). ابن‌کثیر در *السیرةالنبویه*، از دو فرد دیگر محکوم به مجازات مرگ به نام «مقیس‌بن‌صبابه» و «ابن‌خطل» نام می‌برد که هردو پس از ادعای اسلام، مرتکب قتل شدند و سپس مرتد گردیدند. یکی از آنان علاوه‌بر این عمل جنایت‌کارانه، کنیز آوازه‌خوانی را برای هجو پیامبر(ص) و مسلمانان استخدام کرده بود (همان، ص۲۰۳).

در گزارش رویدادهای پس از وفات پیامبر(ص)، مستندات قابل‌اعتمادی از بازگشت همهٔ صحابه، به جز تعدادی انگشت‌شمار، به کفر و شرک وجود ندارد (همان، ص۲۵۱). از منظر برخی اندیشمندان، روایات ناظر به مرتد شدن صحابه به بازگشت آنان از مسیر ترسیم‌شده از سوی پیامبر(ص) در همراهی با امام علی(ع) و پیروی از ولایت آن حضرت اشاره دارد (همان، صص۲۵۲-۲۵۶).

در *تاریخ طبری* (طبری، ۱۹۸۳، ج۳، صص۲۲۴-۲۲۵)، به پیمان صلح میان مسلمانان و ساکنان مناطق فتح‌شده اشاره شده است که براساس مفاد آن، امنیت جان، مال و آزادی دینی اهل ذمه تضمین می‌شد. عهدنامه‌ها، قراردادها و پیمان‌های اصفهان، ری، قومس (دامغان)، گرگان، آذربایجان، تفلیس و طبرستان که در جلد سوم *تاریخ طبری* نقل شده است، به رعایت حقوق اقلیت‌ها در آن زمان اشاره دارد. در

فتح اصفهان، فرمانده مسلمانان با حاکم اصفهان مصالحه‌ای تنظیم کرده بود که براساس آن، شرایط جزیه پذیرفته می‌شد، بی‌آنکه تحمیل عقیده‌ای در آن صورت پذیرفته باشد. در فتح قومس (نواحی دامغان)، پیمان صلحی بسته شد که براساس آن، مسلمانان می‌بایست امنیت آن منطقه را تأمین کنند و در مقابل، ساکنان آن به شرایط اهل ذمه پایبند باشند. در فتح گرگان نیز صلح‌نامه‌ای با همین مضمون تنظیم شد. بنابراین مسلمانان به دین ایرانیان کاری نداشتند و درپی تحمیل عقیدهٔ خود بر آنان نبودند. در عهدنامهٔ منعقدشده با حاکم آذربایجان نیز مشابه این مضامین آمده است. در پیمان با مردم تفلیس نیز گفته شده است که در صورت عمل مردم این منطقه به شرایط اهل ذمه، مسلمانان به تضمین امنیت آنان در برابر دشمن و به رسمیت شناختن مراکز عبادی آن‌ها متعهد باشند (ایروانی، ۱۳۹۹، صص۱۸۲-۱۸۳).

از منظر ادوارد براون، پس از شکست ایران در قادسیه، چهار هزار سرباز دیلمی نزدیک دریای خزر پس از مشاوره با یکدیگر تصمیم گرفتند از روی میل خود اسلام بیاورند. اشخاص دیگر نیز گروه‌گروه با رغبت به اسلام گرویدند (همان، صص۱۸۵-۱۸۶). شهید مطهری تأکید می‌کند که ایرانیان پس از فتح اسلام به‌تدریج و با رغبت، دین اسلام را پذیرفتند و در زمان‌های بعد، نه‌تنها درصدد احیای آیین کهن خود نبودند، بلکه در پیشرفت و تثبیت خلافت عباسی نیز تلاش کردند (همان، ص۱۸۶). او با ارجاع به کتاب *المسالک و الممالک*، نشان می‌دهد مردم مناطق بزرگی مثل کرمان و برخی خاندان ایرانی تا قرن چهارم هجری هنوز زرتشتی بودند. لذا پذیرش اسلام در ایران روند تدریجی داشته و امری تحمیلی نبوده است (همان، ص۱۸۷). استقلال سیاسی حکومت‌های ایرانی مانند طاهریان و آل بویه نیز نشان‌دهندهٔ آن است که ایرانیان از روی اختیار و نه از روی اجبار، اسلام را انتخاب کردند و باآنکه استقلال سیاسی نسبتاً کاملی داشتند، درصدد احیای دوبارهٔ اوستا و آیین گذشتگان خود برنیامدند (همان، ص۱۸۶).

٤-۲. روش نقد و رد مبنای شبهه (Foundational Critique Method)

انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام براساس مبانی و پیش‌فرض‌های نادرست و برداشت‌های مغرضانه از اسلام شکل گرفته است. بنیان‌های فکری این دیدگاه در گروه‌های تکفیری و تروریستی موردحمایت قدرت‌های استکباری مانند سلفیت، بهائیت و صهیونیسم وجود دارد (همان، ص۱۶۶). «وهابیت یا شمشیر، برای مردان، زنان و کودکان» شعار فرقهٔ وهابیت تکفیری است که ارتباطی با تعالیم اسلام ندارد (همان، ص۱۲۰). حمایت‌های گستردهٔ انگلیس از فرقهٔ بهائیت و به رسمیت شناختن آن از سوی فلسطین اشغالی و تعیین مرکز بهائیت در شهر حیفا، پشتیبانی توطئه‌گران را از این فرقه آشکار می‌کند (همان، ص۱۶۷). این سه جریان تروریستی محصول دخالت‌های استعماری است که به‌رغم متهم ساختن اسلام به خشونت، خود بانی خشونت در جهان است (همان، ص۱۶۹).

در واکاوی مبنایی شبههٔ اجبار عقیده در اسلام، آشکار می‌شود که منشأ این برداشت مغرضانه، نه در اسلام، بلکه در چهارچوب فکری تحریف‌شده‌ای قرار دارد که خشونت و تبعیض در آن نهادینه شده است. برای نمونه، در متن تحریف‌شدهٔ *تورات*، اقدامات خشونت‌آمیزی همچون کشتار زنان و اطفال وجود دارد که دستاویز مهمی در جهت متهم ساختن دین به خشونت شده است (همان، صص۱۷۵-۱۷۶). در متن تحریف‌شدهٔ *تلمود*، غیریهودیان به سگ، الاغ یا خوک تشبیه شده‌اند و قتل آنان مجاز و نجات جان آنان حرام تلقی شده است (همان، صص۱۷۶-۱۷۷). شعار تبلیغاتی «فلسطین داود و سلیمان و وسعت آن از رود نیل تا شط فرات»، سیاست‌های نژادپرستانه و اشغالگرانهٔ جریان صهیونیسم و ضلع سوم مثلث خشونت بودن این کشور را در جهان نشان می‌دهد (همان، صص۱۶۷-۱۶۹). با روش رد مبنایی نشان داده می‌شود که ساختارهای فکری اجبار عقیده، در گفتمان‌های سیاسی استعمار و صهیونیسم بازتولید شده و به‌منظور اتهام‌زنی علیه اسلام به کار گرفته شده است.

افزون‌بر آن، کاربست روش رد مبنایی در پاسخ به انگارهٔ اجبار عقیده آشکار می‌کند که تعمیم سیاست‌های سرکوبگرانهٔ کلیسای قرون وسطی به اسلام مغرضانه است و نمی‌توان جنایات هولناک مسیحیانی را که در صورت مشاهدهٔ کوچک‌ترین نشانه‌های مخالفت با باورهای عالمان خود، اعمالی همچون بریدن اعضای بدن، سوزاندن، حبس با اعمال شاقه، آویزان کردن با دست‌های بسته از پشت و خفه کردن تدریجی با چکاندن آب در گلو را در دستور کار خود داشتند، به اسلام منتسب کرد (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۶۴). خشونت‌های منتسب به آیین زرتشت و کشتار بیش از ۱۰۰ هزار نفر زرتشتی دگراندیش به دست موبدان (همان، صص۱۷۹-۱۸۰) گواه دیگری است که بنیان‌های فکری انگارهٔ اجبار عقیده را باید در جای دیگری جز اسلام جست‌وجو کرد.

٤-۳. ارائهٔ مثال (Illustrative Examples Method)

مثال‌آوری یا استناد به مصادیق عینی یکی از شیوه‌های کارآمد برای پاسخ به شبههٔ اجبار عقیده در اسلام است که هدف از آن، اثبات تحقق عملی نبود اجبار عقیده در اسلام با ذکر مثال‌های ملموس است. براساس روایات شأن نزول، آیهٔ ۲۵۶ سورهٔ بقره (لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ) زمانی نازل شد که برخی از مردم انصار قصد داشتند فرزندان خود را از روی اجبار مسلمان کنند. برای نمونه، مردی انصاری دو پسر داشت که هر دوی آنان پیش از بعثت مسیحی بودند. مرد انصاری نزد فرزندان خود آمد و با اصرار از آن‌ها خواست تا مسلمان شوند و به آن‌ها گفت اگر به آیین اسلام روی نیاورند، از آنان دست خواهد کشید. بااین‌حال، فرزندانش از پذیرش اسلام سر باز زدند و شکایت خود را نزد پیامبر(ص) بردند و پدر در پاسخ به پیامبر(ص) گفت: «چگونه می‌توانم پارهٔ تن خود را به آتش افکنم؟» درپی این ماجرا، آیهٔ ۲۵۶ سورهٔ

بقره (لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ) نازل شد و پدر نیز پسرانش را رها کرد. در شأن نزول دیگری از این آیه آمده که وادار ساختن مرد انصاری به مسلمان شدن غلام سیاه خود، سبب نزول این آیه بوده است (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۱۹). کاربست این مثال‌های عینی در پاسخ به انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام نشان می‌دهد که مبنای عملی حکمرانی پیامبر(ص) نبود اجبار عقیده در مقام تکوین است و حتی نزدیک‌ترین افراد مانند پدر و فرزند یا مالک و عبد نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

٤-٤. سبر و تقسیم (Analytical Breakdown and Categorization Method)

روش سبر و تقسیم رویکردی ساختاریافته و مبتنی‌بر تفکیک اجزا و ابعاد مختلف استدلال در پاسخ به شبههٔ اجبار عقیده است. برای پاسخ به شبههٔ گسترش اسلام با خشونت، در تحلیل آیهٔ ۱۶ سورهٔ فتح، از روش سبر و تقسیم استفاده شده است. براساس این روش، عبارت «تُقاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ» به دو احتمال مختلف، شامل رویارویی نظامی برای دفاع در مقابل دشمن بر سر مسائل اعتقادی و دیگری تسلیم شدن و رها کردن سلاح، تفکیک می‌گردد. هرکدام از این دو احتمال وجود داشته باشد، هدف از آن نابودی آثار شرک و بت‌پرستی و نه اجبار برای تغییر عقیده است (همان، ص۱۳۵-۱۳۶).

از روش یادشده برای پاسخ به شبههٔ ناسازگاری میان آیهٔ «لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶) با آیات جهاد نیز استفاده می‌شود. براین‌اساس، دیدگاه مفسران به دو دسته تقسیم می‌شود: دستهٔ نخست شامل نفی هرگونه اجبار در تغییر دین و دستهٔ دوم ناظر به نفی اجبار در هدایت الهی است. از میان دو دستهٔ پیش‌گفته، آنچه محور اصلی پاسخ به شبهه قرار می‌گیرد، دیدگاه نخست است که براساس آن، عقیده نباید با زور و از روی اکراه به دیگران تحمیل شود (ایروانی، ۱۳۹۹، صص۱۱۷-۱۱۸).

با استفاده از روش سبر و تقسیم در پاسخ به انگارهٔ اجبار عقیده، آیهٔ «لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ» به دو احتمال «توصیف واقعیت تکوینی» و «نهی دستوری» تقسیم می‌شود. از منظر نخست، آیه از واقعیتی موجود در تکوین خبر می‌دهد که بیانگر اجبارناپذیری دین و بی‌اثر بودن اکراه در باورهاست و نشان می‌دهد ماهیت دین ذاتاً قابلیت اجبار و تحمیل بر افراد را ندارد و هرگونه تلاش در این راه مردود است. از منظر دوم، آیه بیانگر نهی در قالب جملهٔ خبری است و براساس آن، کسی حق ندارد دیگری را به پذیرش دین وادار کند؛ زیرا مسیر هدایت و گمراهی به‌روشنی آشکار شده و در هر دو صورت، اصل بر نفی اکراه در دین است (همان، صص۱۱۸-۱۱۹).

٤-٥. پاسخ نقضی (Refutational Response Method)

ارائهٔ مصداق‌ها و مستنداتی که به‌طور آشکار با انگارهٔ اجبار عقیده در تعارض است، اعتبار این شبهه را

سست می‌سازد. براساس این روش، ادعای صدور دستور قتل حدود سیصد تا نهصد و حتی هزار نفر از سوی پیامبر اکرم(ص) در مواجهه با یهودیان بنی‌قریظه، با ارائهٔ شواهد نقضی در سه محور اساسی به چالش کشیده می‌شود: شاهد نخست واقعیت تاریخی و جغرافیایی است. دومین شاهد اختلاف جدی آمار تلفات جنگ‌های پیامبر(ص) در منابع متعدد است و سومین شاهد، وجود تفاوت‌های زیاد در گزارش‌های تاریخی است که اعتبار آمارهای ادعاشده را سست می‌کند (همان، ص۱۵۱). مجموع تلفات جنگ‌های پیامبر(ص) در منابع معتبر به کمتر از پانصد نفر می‌رسد که فاصلهٔ معناداری با ارقام اغراق‌آمیز مطرح‌شده دارد. در جنگ بدر، حدود هفتاد نفر از سپاه مشرکان کشته شدند و چهارده نفر از مسلمانان شهید شدند در غزوهٔ احد، شهدای اسلام که بیش از سه برابر کشته‌شدگان دشمن بودند، حدود هفتاد نفر گزارش شده است. در جنگ احزاب نیز شمار همهٔ کشته‌شدگان کمتر از انگشتان دست بود. کشته شدگان در جنگ‌های پیامبر(ص) ۱۸۳ نفر از مسلمانان و ۲۰۳ نفر از دشمنان برآورد شده است (همان، ص۱۶۳). کوتاه بودن مدت‌زمان جنگ‌های پیامبر(ص) مانند بدر، احد و حنین و محدود بودن خسارات آن و نیز وقوع ندادن نبرد در غزوهٔ تبوک (همان، ص۱۶۲) بر این نکته صحه می‌گذارد که ادعای مذکور از پایه‌های استواری برخوردار نیست.

٤-٦. طرح سؤال (Socratic Method)

در مواجهه با شبههٔ اجبار عقیده، روش طرح سؤال رویکردی تعاملی و هدفمند برای پاسخ‌گویی است. در این روش، پرسش‌ها به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که نه‌تنها پاسخ به‌روشنی ارائه شود، بلکه مخاطب خود را در مقام کشف و استنتاج قرار دهد و در مواجهه با پاسخ، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشد.

پاسخ به ادعای ناسازگاری آزادی عقیده در قلمرو تکوین و آیات جهاد، نمونهٔ بارز کاربست این روش پاسخ‌گویی است. در آیهٔ ششم سورهٔ توبه آمده است: «و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش بده تا سخن خدا را بشنود. آنگاه او را به جایگاه امنش برسان؛ زیرا آنان گروهی هستند که حقایق را نمی‌دانند». براین‌اساس، باورمندی به دین باید مبتنی‌بر علم و آگاهی باشد و حتی ظن راجح نیز دراین‌باره کفایت نمی‌کند. سؤال کلیدی این است که چگونه در دینی که پذیرش آن مستلزم یقین و آگاهی کامل است، اجبار به تغییر عقیده به رسمیت شناخته می‌شود؟ (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۴۲).

ادعای اجباری بودن پذیرش دین اسلام از سوی ایرانیان، موضوع دیگری است که در مطالعات تمدنی به آن توجه شده است. برای پاسخ به این شبهه، از روش پرسشگری استفاده می‌شود تا ادعاکننده پیش‌فرض‌ها و دیدگاه‌های خود را بازنگری کند. پرسش این است: اگر اسلام آوردن ایرانیان واقعاً به زور و اجبار بوده، چرا پس از گذشت قرن‌ها و رفع سلطهٔ سیاسی و زوال سیادت عرب، ایرانیان به اسلام گرایش

بیشتری پیدا کردند و به آیین پیشین خود بازنگشتند؟ آیا جز جاذبهٔ اسلام و سازگاری آن با روح ایرانی، چیز دیگری بوده است؟ (همان، ص۱۸۷). ادعای قتل اسیران در جنگ براساس آیهٔ ۳۳ سورهٔ مائده، یکی دیگر از شبهاتی است که با روش پرسشگری به آن پاسخ داده می‌شود. پرسش این است: چگونه می‌توان مجازات مقرر در آیهٔ محاربه را دربارهٔ اسیری دانست که در اختیار جنگجوست و دیگر توان تجاوز یا تهدید مستقیم را ندارد؟ (همان، ص۲۰۵). آیا می‌توان از حکم محاربه که مختص تجاوز مسلحانه و تهدید مردم بی‌دفاع است، برای اسیران جنگی‌ای که دیگر خطری برای جامعه ایجاد نمی‌کنند، استفاده کرد؟ با روش پرسشگری، شبههٔ ارتداد دسته‌جمعی صحابه پس از رحلت پیامبر(ص) فرومی‌ریزد. سؤال اینجاست که چگونه ممکن است آن‌همه انسان باایمان که در طول سالیان متمادی جان و مال خویش را در راه خدا در طبق اخلاص نهادند، به‌محض رحلت پیامبر(ص)، یک‌باره به کفر بازگردند؟ (همان، ص۲۵۰).

٤-٧. تحلیل معنای لغوی (Literal meaning analysis)

روش تحلیل معنای لغوی در پاسخ به شبههٔ اجبار عقیده در اسلام، بر پایهٔ بررسی معنای واژگان در بستر نزول قرآن کریم است. تحلیل معنای برخی واژگان کلیدی مانند «قتال» در آیهٔ ۱۹۰ سورهٔ بقره (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ) و واژهٔ «فتنه» در آیهٔ ۱۹۱ سورهٔ بقره (الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ) روشن می‌کند انگارهٔ گسترش اسلام با شمشیر، مبتنی‌بر برداشت نادرست از مفاهیم این واژه‌هاست. واژهٔ «قتال» به معنای «تلاش فرد برای کشتن کسی است که برای قتل وی می‌کوشد». واژهٔ «فتنه» علاوه‌بر شرک، به اهانت و اقدامات خراب‌کارانهٔ کافران در بی‌دین کردن مؤمنان اشاره دارد (ایروانی، ۱۳۹۹، ص۱۲۷). واژهٔ «غِلْظَةً» و «وَاغْلُظْ» در آیات ۱۲۳ و ۷۳ سورهٔ توبه (وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً) و (وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ) به معنای صلابت و قاطعیت در اجرای دستور الهی و نه خشونت‌طلبی است. واژهٔ «أقاتل» در روایت منسوب به پیامبر (أُمرت أن أقاتل الناس...)، دوجانبه بودن جنگ را می‌رساند که عمدتاً دشمن آغازگر آن بوده است (همان، صص۱۷۴-۱۷۵).

٤-٨. شأن نزول و سیاق آیات (Contextual-Historical Exegesis)

در پاسخ به شبههٔ اجبار عقیده در اسلام، یکی از روش‌های مهم، تحلیل سیاق و شأن نزول آیات جهاد است. در شأن نزول آیهٔ ۷۴ سورهٔ توبه، به توطئهٔ نافرجام منافقان در قتل پیامبر(ص) اشاره شده است که نشان می‌دهد مجازات مرتکبان، نه برای اجبار عقیده، بلکه تلاش آنان برای کشتن رسول خدا(ص)، نشر اکاذیب و ایجاد هرج‌ومرج بوده است (همان، ص۲۲۵). آیات ۷ تا ۱۵ سورهٔ توبه که دربارهٔ غزوهٔ تبوک نازل شده است، آشکار می‌کند این غزوه کاملاً جنبهٔ دفاعی داشته و فرمان نبرد پس از انتشار گزارش‌های تجهیز لشکر بزرگ امپراتور روم شرقی برای مقابله با مسلمانان صادر شده است. آیات مربوط به جنگ

احد، خندق و حنین نیز حاکی از دفاعی بودن این جنگ‌هاست (همان، ص۱۳۰). تحلیل آیهٔ ۸۹ سورهٔ نساء و عملکرد پیامبر(ص) آشکار می‌کند تا زمانی که منافقان به جنگ یا خیانت دست نمی‌زدند، هدف قتال مسلمانان قرار نمی‌گرفتند (همان، ص۱۲۹). مخاطبان اصلی آیهٔ ۶۴ سورهٔ توبه، گروهی از منافقان مدینه بودند که به فتنه‌گری پرداختند و نقشهٔ قتل پیامبر(ص) را در مسیر بازگشت از تبوک طراحی کردند. این توطئه با اطلاع‌رسانی جبرئیل و اقدام پیامبر(ص) ناکام ماند. عبارت «بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ» در آیهٔ ۶۶ همین سوره، ناظر به مجموعه‌اقدامات منفی آنان مانند نفاق و استهزا و... است (همان، ص۲۲۲).

٤-٩. نقد سندی و محتوایی روایات (Isnād and Matn Criticism of Hadith)

به‌کارگیری روش بررسی سندی و محتوایی روایات از دیگر شیوه‌های پاسخ به شبههٔ اجبار عقیده در اسلام است. در این روش نشان داده می‌شود قتل مرتد، صرف‌نظر از اقدامات خراب‌کارانهٔ او، بر پایهٔ روایات ضعیف و ناسازگار با قرآن است. در بررسی سندی و محتوایی این روایات مشخص می‌شود خاستگاه اصلی این روایات منابع اهل‌سنت است و غالباً به عِکرمه منتهی می‌گردد که از قول ابن‌عباس و در ماجرایی خاص گزارش شده است. این در حالی است که عکرمه به جعل حدیث علیه ابن‌عباس متهم است (همان، ص۲۳۰). در متون شیعی، اولین منبع نقل‌کنندهٔ حدیث کتاب *دعائم‌الاسلام* است که سند آن را با تعبیر «روینا» و به‌صورت مرسل گزارش کرده و منابع بعدی مانند *مستدرک‌الوسائل* و *عوالی اللئالی* آن را به همین شکل بازنشر کرده‌اند (همان). مهم آنکه محتوای این روایت با آیات ۲۵۶ سورهٔ بقره و ۲۱ و ۲۲ سورهٔ غاشیه و ۹۹ سورهٔ یونس و ۲۹ سورهٔ کهف تعارض دارد (همان، ص۲۳۲).

روش‌های مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی و کارکرد و شواهد کلیدی آن در جدول ۱ منعکس شده است:

جدول ۱: روش‌های مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی

ردیف	روش‌شناسی	کارکرد	شواهد کلیدی
۱	روش نقلی ـ تاریخی	استخراج و تحلیل آیات، روایات، شواهد تاریخی و سیرهٔ پیامبر(ص)	پاسخ به شبهه با استناد به آیات سوره‌های بقره: ۲۵۶، هود: ۲۸، نمل: ۴۴، نصر: ۱ و ۲، ممتحنه: ۸ و ۹، نساء: ۹۰، توبه: ۲۹، غاشیه: ۲۱، ۲۲ و ۴۵، روایات امام رضا(ع)، امام صادق(ع) و امام علی (ع) در منابع روایی شیعه، گزارش‌های تاریخی مربوط به غزوه‌های تبوک و حنین در *الطبقات‌الکبری* از ابن‌سعد، عملکرد پیامبر(ص) با دشمنان پس از فتح مکه در *سیرهٔ ابن هشام*، عهدنامه‌ها، قراردادها و پیمان‌های اصفهان، ری، قومس (دامغان)، گرگان، آذربایجان، تفلیس و طبرستان در *تاریخ طبری*.

ادامه جدول ۱: روش‌های مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی

ردیف	روش‌شناسی	کارکرد	شواهد کلیدی
۲	روش نقد و رد مبنای شبهه	تخریب پایه‌ها و پیش‌فرض‌های استدلال	پاسخ به شبهه با نقد پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک شبهه مانند برداشت مغرضانه از مفهوم جهاد، یکسان‌انگاری اسلام با رفتار جریان‌های سیاسی، تکفیری و تروریستی و اتکا به متون تحریف‌شدهٔ ادیان دیگر.
۳	روش ارائهٔ مثال	اقناع با مصادیق عینی	در این روش، با استناد به نمونه‌های ملموس، نشان داده می‌شود اجبار عقیده در مقام تکوین از سوی شارع نفی شده و حتی در نسبت‌های نزدیک خویشاوندی، مانند رابطهٔ پدر و فرزند یا در مناسبات حقوقیِ مالک و عبد، فاقد وجاهت شرعی است.
۴	روش سبر و تقسیم	بررسی احتمالات مختلف برای اثبات گزینهٔ صحیح	در روش سبر و تقسیم، فرض‌های ممکن دربارهٔ انگاره اجبار عقیده بررسی می‌گردد و به‌صورت استدلالی ارزیابی می‌شود و درنهایت گزینهٔ صحیح که نبود اجبار در عقیده به اسلام است، به اثبات می‌رسد.
۵	پاسخ نقضی	نشان دادن شواهد متضاد با ادعا	در این روش، برای پاسخ به انگارهٔ اجبار عقیده، مستندات و شواهدی ارائه می‌شود که به‌طور آشکار با ادعای گسترش اسلام با زور در تضاد است.
۶	طرح سؤال	کشف تناقض درونیِ استدلال مخالف	در روش طرح سؤال، به‌جای ارائهٔ پاسخ صریح به شبههٔ اجبار عقیده، ساختار بحث به‌گونه‌ای سامان می‌یابد که ذهن مخاطب درگیر بازبینی مبانی پیشینی خود شود.
۷	تحلیل معنای لغوی	شفاف‌سازی معنایی و رفع ابهام مفهومی	روش تحلیل معنای لغوی پاسخ‌دهنده به شبهه، با بازخوانی دقیق واژگان «قتال»، «فتنه» و «غلظه» در سیاق آیات، نشان می‌دهد که این کلمات نه‌تنها متضمن معنای اجبار عقیده نیست، بلکه ناظر به مقابله با کسانی است که با فشار، تهدید و سلب اختیار، زمینهٔ تحقق آزادی را از میان می‌برند.
۸	تحلیل شأن نزول و سیاق آیات	اثبات دفاعی بودن جهاد در برابر تهاجم، خیانت و نقض پیمان	در این روش، با واکاوی شأن نزول و سیاق آیات، اثبات می‌شود که احکام جهاد صرفاً واکنش دفاعی به تهاجم، خیانت و نقض پیمان بوده است و ابزاری برای تحمیل عقیده نیست.
۹	نقد سندی و محتوایی روایات	اثبات ضعف سندی و محتوایی روایات ناظر به اجبار عقیده	نقد سندی و محتوایی روایات قتل مرتد (صرف‌نظر از اقدامات خراب کارانهٔ او) از نظر سندی در منابع اهل‌تسنن ضعیف و در منابع شیعی به‌صورت مرسل نقل شده و محتوای آن با آیات ۲۵۶ سورهٔ بقره، ۲۱ و ۲۲ سورهٔ غاشیه، ۹۹ سورهٔ یونس و ۲۹ سورهٔ کهف تعارض دارد.

۵. پیامدهای تمدنی شبههٔ اجبار عقیده در اسلام

از منظر تمدنی، انگارهٔ اجبار عقیده از اساسی‌ترین چالش‌های معرفت‌شناختی دوران معاصر به شمار می‌آید که می‌تواند بنیان‌های نظری و کارکردی تمدن نوین اسلامی را در مواجهه با نظام‌های فکری رقیب دچار تزلزل سازد. یکی از پیامدهای تمدنی این انگاره در سطح درونی، فروکاست ایمان از مرتبهٔ معرفت قلبی به سطح انقیاد بیرونی است؛ فرایندی که با نادیده انگاشتن «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶)، تمدن اسلامی را از متن به حاشیه می‌راند. افزون‌بر آن، در بُعد فرهنگی، به افول پرسشگری، تنزل جایگاه عقلانیت دینی و تقلیل جایگاه ارادهٔ انسانی منجر می‌شود و گسست میان گروه‌های فکری را به دنبال دارد که از مهم‌ترین موانع پویایی تمدن در جهان امروز است (محمودی و بابایی، ۱۴۰۳، ص۳۶). در مقیاس جهانی، پیامدهای آن عرصهٔ هویتی و تمدنی را دربرمی‌گیرد. این انگاره چهرهٔ تمدن اسلامی را که در منظومهٔ کلان تمدن‌های بشری قرار دارد (علی‌نقی و رهدار، ۱۴۰۳، ص۱۹۰)، نظامی بسته و توسعه‌ناپذیر بازنمایی می‌کند. چنین بازنمایی نادرستی موجب افول اعتبار گفتمان اسلامی در میدان تعاملات تمدنی می‌شود. در فضای رسانه‌ای نیز به بازتولید تصویری از «تمدن نوین اسلامی» می‌انجامد که فاقد بنیان‌های عقلانیت است و قدرت جذب سایر الگوهای تمدنی جهان و تأثیرگذاری بر آن‌ها را ندارد.

٦. اهمیت شبهه‌پژوهی و روش‌های مواجهه با آن در روند تحقق تمدن نوین اسلامی

شبهه‌پژوهی در روند تحقق تمدن نوین اسلامی به‌مثابهٔ زیرساخت نظری و عملی برای بازسازی هویت تمدنی اسلام در عصر جهانی‌سازی است. تمدن نوین اسلامی تنها زمانی می‌تواند ادعای جهان‌شمولی داشته باشد که در برابر شبهات بنیادین معرفتی، پاسخ‌هایی نظام‌مند ارائه دهد. ازآنجا که فرزانگی معرفتی شاخصه‌ای بنیادین در نظام اجتماعی است، تحقق جامعهٔ قرآنی مستلزم فهمی جامع از حقایق عالم و انسان است؛ فهمی که انحصار مادی‌گرایانه در آن مردود شمرده شود و ادراک کلی هستی از تلفیق وحی و تعقل فراهم آید (سعیدی روشن، ۱۳۹۳، ص۶۱).

شبهه‌پژوهی در چهارچوب تمدن نوین اسلامی کارکردی چندلایه دارد: در لایهٔ نخست، به بازتولید دستگاه استدلالی اسلام در برابر نظام‌های معرفتی ناهمخوان می‌انجامد. هر منظومهٔ تمدنی بر مفاهیم بنیادینی استوار است که مبانی هستی‌شناختی و معرفتی آن را تشکیل می‌دهد. اندیشهٔ تمدنی تا زمانی که در سطح «بنیان‌های فکری» خود صورت‌بندی و دفاع نشده باشد، توان نهادینه شدن را نخواهد داشت (روح اللهی امیری، الویری و باباخان، ۱۴۰۲، ص۱۲۱).

در لایهٔ دوم، شبهه‌پژوهی مرز عقلانیت دینی را از ظاهرگرایی جدا می‌کند؛ عقلانیتی که غیبتش در

تاریخ، افول تمدن اسلامی و غلبهٔ جریان‌های ضدعقل را رقم زده است (احمدیان و محمدلو، ۱۴۰۲، ص۲۳۷). مفهوم «نوین» در تمدن نوین اسلامی ناظر به بازتعریف نسبت اسلام با عقل در چهارچوب جهان‌بینی توحیدی است. رسالت عالمان و روشنفکران دینی کشف نظری و بازسازی این عقلانیت و تبیین عملی آن در عرصه‌های سیاست، فرهنگ و اجتماع است (فرمیهنی، ۱۳۹۵، ص۹۱). در لایهٔ سوم، شبهه‌پژوهی خلأهای تئوریک میان نصوص وحیانی و مقتضیات عصر را با بسط نظریه‌ها پر می‌کند. در لایهٔ چهارم، از انفعال فکری جامعهٔ دینی جلوگیری می‌کند و فرهنگ پرسشگری، گفت‌وگو و تعامل را نهادینه می‌سازد که یکی از نشانه‌های توسعهٔ جامعه است (نادری و بهمنی، ۱۴۰۳، ص۱۵۸).

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که روش‌های مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی در کتاب «شبهه‌پژوهی قرآنی» شامل اتخاذ رویکرد چندوجهی از روش‌های نقلی ـ تاریخی، نقد و رد مبنای شبهه، پاسخ حلی، پاسخ نقضی، ارائهٔ مثال، سبر و تقسیم، طرح سؤال، تحلیل معنای لغوی، بررسی شأن نزول و سیاق آیات و نقد سندی و محتوایی روایات است. هستهٔ اصلی مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام با رویکرد تمدنی مبتنی‌بر تفکیک مفهومی میان ساحت تکوین و قلمرو تشریع است که براساس آن، هرگونه اجبار در حوزهٔ عقیده در قلمرو «تکوین» نفی می‌شود و در قلمرو «تشریع» با روشن بودن مسیر هدایت، هر عقیده‌ای قابل‌پذیرش نیست. این تفکیک، زیربنای تدوین نظریه‌ای منسجم دربارهٔ «آزادی عقیده» و «انحصار پذیرش عقیده» را در چهارچوب معرفتی تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آورد.

یافته‌های تحقیق نشان داد مواجهه با انگارهٔ اجبار عقیده در اسلام باید از رویکرد موردی به راهبرد تمدنی ارتقا یابد و با ابزارهای میان‌رشته‌ای غنی گردد. نهادینه‌سازی این روش‌ها ازطریق مراکز تخصصی شبهه‌پژوهی، واحدهای درسی حوزوی ـ دانشگاهی و شبکه‌های گفت‌وگوی بین‌ادیانی، تحقق تمدن نوین اسلامی را سرعت می‌بخشد (احمدیان و محمدلو، ۱۴۰۲، ص۲۳۷) براین‌اساس، طراحی واحد درسی «روش‌شناسی تمدنی شبهه‌پژوهی»، گفت‌وگوی انتقادی در آموزش‌های دینی و تأسیس «مرکز مطالعات تمدنی شبهه‌پژوهی» برای تبدیل شبهه‌پژوهی از واکنش دفاعی به موتور محرکِ نظریه‌پردازی تمدنی پیشنهاد می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

- آدمی، علی، حاجی‌زاده، عبدالله (۱۳۹۳). منطق ساختاری مفهوم آزادی عقیده در نظام اندیشهٔ آیت‌الله جوادی آملی، *انسان‌پژوهی دینی*، ۱۱(۳۱)، ۲۶-۵.
https://raj.smc.ac.ir/article_8224_0.html?lang=en
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۳). *فرهنگ معاصر عربی ـ فارسی*. تهران: نشر نی.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۴۰۴ق.الف). *عیون أخبار الرضا*. تحقیق حسین اعلمی. ج۲. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۴۰۴ق.ب). *من لا یحضره الفقیه*. تحقیق علی‌اکبر غفاری. ج٤، چ۲. قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه.
- ابن‌سعد، محمد (بی‌تا). *الطبقات‌الکبری*. ج۲. بیروت: دار صادر.
- ابن‌فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم المغائیس اللغة*. ج۳. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه.
- ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر (۱۴۰۸ق). *البدایة و النهایة*. ج۳. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- ابن‌هشام، عبدالملک (۱۳۸۳ق). *السیرة النبویة*. ج٤. قاهره: مکتبة محمد علی صبیح و أولاده.
- احمدیان، مهدی، محمدلو، مجید (١٤٠٢). دورهٔ گذار تمدنی و مؤلفه‌های برون‌رفت از آن. فصلنامهٔ *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ٦(٢)، ٢٤٦-٢٢١.
doi: 10.22070/nic.2024.17978.1256
- افقی، داوود (۱۳۹۳). روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی در قرآن. رسالهٔ دکتری. دانشگاه قرآن و حدیث.
- اقبال، مبین (۱۴۰۳). *قواعدی مبین در رد شبهات ملحدین*. تهران: احسان.
- ایروانی، جواد (۱۳۹۹). *شبهه‌پژوهی قرآنی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بهمنی، فرانک، بهمنی، سعید (١٤٠١). بازخوانی منطقی مواجههٔ قرآن با شبهات. *دوفصلنامهٔ کتاب قیم*، ۱۲(۲۷)، ۱۳۱-۱۵٤. https://doi.org/10.30512/kq.2022.17159.3184
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۳). روش‌شناسی و اندیشهٔ سیاسی. *فصلنامهٔ علوم سیاسی*، ۲۸، ۷-۱۶.
https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/105617/

- تهانوی، محمدعلی‌بن‌علی (۱۹۹۶). *موسوعة کشاف إصطلاحات الفنون و العلوم*. ج۱. لبنان: ناشرون.
- حلبی، علی‌بن‌برهان‌الدین (۱۴۰۰ق). *السیرة‌الحلبیة*. ج۳. بیروت: دارالمعرفة.
- خرقانی، حسن، محقق گرفمی، البرز (۱۴۰۱). روش‌شناسی علمی پاسخ‌گویی به شبهات در سیرهٔ رضوی. *فرهنگ رضوی*، ۱۰(۳۷)، ۳۱-۵۶. doi: 10.22034/farzv.2021.278014.1633
- داداشی آذر، رسول، شفیعی، جمال (۱۳۹۴). آسیب‌ها و عوامل بروز انحراف در روند نیل به تمدن نوین اسلامی. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۹، ۵۵-۷۴. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1111390/
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن. ج۱. تهران: مرتضوی.
- روح‌اللهی امیری، زهرا، الویری، محسن، باباخان، مرضیه (۱۴۰۲). رویکرد تمدنی اهل‌بیت علیهم‌السلام در ابواب تاریخی بحارالأنوار؛ توحید به‌مثابهٔ انگارهٔ هدایتگر. *فصلنامهٔ مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۶(۲)، ۱۱۱-۱۳۶. doi: 10.22070/nic.2023.16593.1194
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سجادی، جعفر (۱۳۷۳). *فرهنگ معارف اسلامی*. (بی‌جا): کومش.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). شاخص‌های تمدن اسلامی براساس آموزه‌های قرآن کریم. *آموزه‌های قرآنی*، ۱۱(۱۹)، ۶۱-۸۲. https://qd.razavi.ac.ir/article_448.html
- سلیم، حجت (۱۳۹۹). بررسی شیوه‌های پاسخ‌گویی به شبهات دینی جوانان با استفاده از ظرفیت رادیو جوان. تهران: دین و رسانه.
- سیاوشی، مهدی، فقیه حقانی، موسی (۱۳۹۴). تبیین الگوی فرهنگ دفاعی در تمدن نوین اسلامی با تمرکز بر نقش ولایت فقیه در حفظ ساختار ارزشی نظام اسلامی. *مطالعات دولت‌پژوهی*، ۱(۲)، ۹۳-۱۰۹. https://irsj.ihu.ac.ir/article_200196.html
- طراد، مجید (۲۰۱۰). *المعجم المفصل في المتضادات في اللغة العربية*. ج۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.

- عرب، محمد (۱۳۹۹). روش‌شناسی و پاسخ‌گویی به عمده‌ترین شبهات اعتقادی نوجوانان شیعی و پاسخ به آن‌ها. *مجموعه‌مقالات هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی*، ۴۲۶-۴۳۸. https://elmnet.ir/doc/21120433-2212

- علیزاده موسوی، مهدی (۱۳۹۵). درآمدی بر چیستی شبهه در علم کلام. *پژوهشنامهٔ حج و زیارت*، ۱(۲)، ۶۵-۹۰. https://journal.hzrc.ac.ir/article_26684.html

- علی‌نقی، جعفر، رهدار، احمد (۱۴۰۳). ضرورت‌شناسی مطالعات تمدنی در اندیشهٔ امامت. *فصلنامهٔ مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۷(۱)، ۱۷۷ـ۱۹۶. doi: 10.22070/nic.2024.18631.1284

- فخر، حمیدرضا (۱۳۹۶). روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی و قرآنی دانش‌آموزان تیزهوش. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. میبد.

- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۲۱ق). *العین*. ج۳. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

- فرمهینی، محسن (۱۳۹۵). الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی. *فصلنامهٔ مطالعات ملی*، ۱۷(۶۷)، ۸۳-۱۰۱. dor: 20.1001.1.1735059.1395.17.67.6.9

- فلاح، محمدجواد (۱۳۹۸). گونه‌شناسی «روش پرسش‌وپاسخ» و کاربست آن در پاسخ به مسائل اعتقادی. *اندیشهٔ نوین دینی*، ۱۵(۵۹)، ۸۹-۱۰۲. https://andishe.maaref.ac.ir/article-1-1181-fa.html

- فهیمی، شریفه (۱۳۹۷). نقش مبانی انسان‌شناختی علامه طباطبایی در تبیین کرامت انسان. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. جامعة المصطفی العالمیه.

- قطبی ثریا، هادوی، اصغر، رهنما، اکبر، باغانی، فاطمه (۱۳۹۳). تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های اعتقادی سبک زندگی اسلامی در آموزه‌های رضوی. فصلنامهٔ *مطالعات معرفتی*، ۶۰(۲)، ۴۳۵-۴۵۰. https://ksiu.nahad.ir/article_15.html

- کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۶۷). *الکافی*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. ج۵. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

- محمدی احمدآبادی، فرشته (۱۳۹۹). *روش‌های پاسخ به شبهات در قرآن و روایات*. قم: هاجر.

- محمودی، زهرا، بابایی، حبیب‌الله (۱۴۰۳). کارکرد گفت‌وگومندی قرآن در حل مسئلهٔ گسست تمدنی. *فصلنامهٔ مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۷(۲)، ۳۵-۷۰.
doi: 10.22070/nic.2024.19349.1319

- مفید، محمدبن‌محمد (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. ج۱، قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.

- نادری، مهدی، بهمنی، کیوان (۱۴۰۳). وفاق و اجماع ملی نخبگان سیاسی؛ پیش‌شرط توسعه و پیشرفت. *اندیشهٔ سیاسی در اسلام*، ۱۱(۴۱)، ۱۳۵-۱۶۳.
https://doi.org/10.22034/jpti.2025.521241.1418

- نجفی، موسی، غلامی، رضا (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکترین امامت. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۵۵، ۱۲۱-۱۴۰.
https://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1067-fa.html

- وطن‌خواه، وحید (۱۳۹۹). بررسی مبانی و روش‌های پاسخ به شبهات قرآنی در تفسیر «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة». رسالهٔ دکتری، دانشگاه اراک.

References

- The Holy Quran

- Adami, A., & Hajizadeh, A. (2014). Structural Logic of the Concept of Freedom of Belief in Ayatollah Javadi Amoli`s System of Thought. *Religious Anthropology,* 11(31), 5-26.
https://raj.smc.ac.ir/article_8224_0.html?lang=en [In Persian]

- Ahmadian, M., & Mohammadloo, M. (1402). Civilizational transition and the components of exit from it. *New Islamic Civilization Fundamental Studies*, 6(2), 221–246. doi: 10.22070/nic.2024.17978.1256 [In Persian]

- Ali Naghi, J., & Rahdar, A. (1403). Necessity of studying Civilization in Imamate thought. *New Islamic Civilization Fundamental Studies.* 7(1), 177–196. https://doi.org/10.22070/nic.2024.1863 [In Persian]

- Alizadeh Mousavi, S. M. (2016). An Introduction to the Nature of Shubha in Science of Scholastic Theology. *Journal of Hajj and Pilgrimage Studies*, 1(2), 65-90. https://journal.hzrc.ac.ir/article_26684.html [In Persian]

- Arab, M. (2020). Methodology and Responses to Major Doctrinal Doubts among Shia Adolescents. *Proceedings of the 7th International Conference on Management and Humanities Research*, 426-438. https://elmnet.ir/doc/21120433-2212 [In Persian]

- Azarnoush, A. (2014). *Contemporary Arabic-Persian Dictionary*. Tehran: Ney. [In Persian]

- Bahmani, F., & Bahmani, S. (2022). Logical examination of the Qur'an's approach to skeptical notions. *Ghayyem Book*, 27, 131-154. https://doi.org/10.30512/kq.2022.17159.3184 [In Persian]

- Dadashi Azar, R., & Shafiei, J. (2015). Harms and Causes of Deviation in the Process of Achieving New Islamic Civilization. *Journal of Strategic Management Studies*, 19, 55-74. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1111390/ [In Persian]

- Eghbal, M. (2024). *Clear Rules for Refuting Atheists' Doubts*. Tehran: Ehsan Publishing. [In Persian]

- Fakhr, H. R. (2017). Methodology of Responding to Doctrinal and Qur'anic Doubts in Gifted Students: A Case Study. MA Thesis, University of Qur'an and Hadith, Meybod. [In Persian]

- Falah, M. J. (2019). The Typology of the "Question and Answer Method" and its Application to Answering Belief Issues from the Quran's Perspective. *A Research Quarterly in Islamic Theology (kalam) and Religious Studies,* 15(59), 89-102. https://andishe.maaref.ac.ir/article-1-1181-fa.html [In Persian]

- Fahimi, S. (2018). Role of Humanistic Foundations of Allameh Tabatabai in Explaining Human Dignity. MA thesis, Al-Mustafa International University. [In Persian]

- Faraheedi, K. b. A. (2000). *Al-Ayn*. Vol. 4. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

- Farmahini, M. (1395). The requirements of realization The New Islamic Civilization. *Journal of National Studies,* 17(67), 83–101. dor: 20.1001.1.1735059.1395.17.67.6.9 [In Persian]

- Ghorashi, A. A. (1992). *Qamus al-Quran.* Dar al-Kutub al-Islamiyah. [In Arabic]

- Ghotbi, S., Hadavi, A., Rahnama, A., & Baghani, F. (2014). Analyzing the Aspects of Islamic Life Style Doctrinal in Imam Reza (P.B.U.H.) Teachings. *The Knowledge Studies In The Islamic University*, 60(2), 435-450. https://ksiu.nahad.ir/article_15.html [In Persian]

- Halabi, A. b. B. (2021). *Al-Sirah al-Halabiyyah*. Vol. 3. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]

- Ibn Babawayh, M. b. A. (2025a). *'Uyoun Akhbar al-Ridha*. Edited by Hussein Alami. Vol. 2. Beirut: Al-Alami Publishing. [In Arabic]

- Ibn Babawayh, M. b. A. (2025b). *Man la yahduruhu al-faqih*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Vol. 4. Qom: Jamia al-Mudarrisin. [In Arabic]

- Ibn Fares, A. (2025). *Mu'jam al-Magha'is al-Lughah*. Vol. 3. Qom: Islamic Propagation Office, Qom Seminary. [In Arabic]

- Ibn Hisham, A. (2004). *Sirat al-Nabi*. Maktabat Muhammad Ali Subaih wa Awladuh. Vol. 4. n.p. [In Arabic]

- Ibn Kathir, I. b. 'U. (1987). *Al-Bidaya wa al-Nihaya*. Vol. 3. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

- Ibn Sa'd, M. (n.d.). *Al-Tabaqat al-Kubra*. Vol. 2. Beirut, Dar Sader. [In Arabic]

- Iravani, J. (2020). *Qur'anic Inquiry into Doubts*. Mashhad: Razavi Islamic Sciences Universit. [In Persian]

- Kharghani, H. & Mohaghegh Ggarfami, A. (2022). Scientific Methodology of Answering Doubts in Razavi Biography. *Journal of Razavi Culture*, 10(37), 31-56. doi: 10.22034/farzv.2021.278014.1633 [In Persian]

- Kulayni, M. b. Y. (1988). *Al-Kafi*. Edited by Ghaffari. 3rd ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

- Mahmoudi, Z., & Babaei, H. (2024). The conversational function of Quran in solving the problem of civilizational Disintegration. *New Islamic Civilization Fundamental Studies*, 7(2), 35–70. https://doi.org/10.22070/nic.2024.19349.1319 [In Persian]

- Mohammadi Ahmadi Abadi, F. (2020). *Methods of Responding to Doubts in Qur'an and Narrations*. Qom: Hajar Publishing Center. [In Persian]

- Mofid, M. b. M. (1993). *Al-Irshad fi Ma'rifat Hujaj Allah al-'Ibad*. Qom. [In Arabic]

- Naderi, M., & Bahmani, K. (2024). National unity and consensus: a prerequisite for development and progress. *Political Thought in Islam*, 11(41), 135–163. https://doi.org/10.22034/jpti.2025.521241.1418 [In Persian]

- Najafi, M., & Gholami, R. (2018). Islamic Revolution and Its Central Role in Forming the New Islamic Civilization with Emphasis on the Doctrine of Imamate. *Journal of Islamic Revolution Studies*, 55, 121-140. https://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1067-fa.html [In Persian]

- Ofoghi, D. (2014). Methodology of Responding to Doctrinal Doubts in the Qur'an. PhD dissertation, University of Qur'an and Hadith. [In Persian]

- Parsania, H. (2004). Methodology and Political Thought. *Political Science Quarterly*, 28, 7-16. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/105617/ [In Persian]

- Ragheb Esfahani, H. b. M. (1995). *Tarjomeh va Tahqiq Mofradat Alfaz Quran ba Tafsir-e Lugavi va Adabi Quran*. Tehran: Mortezavi Publications. [In Persian]

- Roohollahiamiri, Z. R., Alviri, M., & Babakhan, M. (2023). The civilizational approach of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) in the historical chapters of Bihar al-Anwar; Monotheism as a guiding concept. *Scientific Journal of New Islamic Civilization Fundamental Studies*, 6(2), 111-136. doi: 10.22070/nic.2023.16593.1194. [In Persian]

- Saeedi Roshan, M. B. (2014). Indicators of Islamic Civilization Based on the Teachings of the Holy Qur'an. *Quranic Doctrines*, 11(19), 61–82. https://qd.razavi.ac.ir/article_448.html [In Persian]

- Salim, H. (2020). Analysis of Methods for Responding to Religious Doubts of Youth Using Radio Youth Capacities. Interdisciplinary Studies in Media and Culture. [In Persian]

- Sajjadi, J. (1994). *Islamic Knowledge Dictionary*. Komash Publishing. [In Persian]

- Sarukhani, B. (2007). *Research Methods in Social Sciences*. Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Institute. [In Persian]

- Siavoshi, M., & Faqih Haqqani, M. (2015). Clarifying the Defensive Culture Model in the New Islamic Civilization with an Emphasis on the Role of Wilayat al-Faqih. *State Studies of Contemporary Iran*, 1(2), 93-109. https://irsj.ihu.ac.ir/article_200196.html [In Persian]

- Tahanavi, M. A. b. A. (1997). *Encyclopedia of Terms in Arts and Sciences*. Vol. 1. Beirut: Maktabat Lubnān. [In Arabic]

- Tarad, M. (2010). *Al-Mu'jam al-Mufassal fi al-Mutadhadât fi al-Lughah al-'Arabiyah.* Vol.1. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyah. [In Arabic]

- Vatan Khah, V. (2020). Foundations and Methods of Responding to Qur'anic Doubts in Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bil-Quran wal-Sunnah. PhD Dissertation, Arak University. [In Persian]